

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.
انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

بررسی نقش یادگیری مشارکتی در توسعه مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی

شیوه استناددهی: حسینی‌نژاد، سارا. مشخصات نویسندگان:

(۱۴۰۴). بررسی نقش یادگیری مشارکتی در توسعه مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی. یادگیری، تربیت و آموزش مدارس در هزاره سوم، ۲(۲)، ۹-۱.

۱. سارا حسینی‌نژاد*: گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

*پست الکترونیکی نویسنده مسئول: s.hosseininajad81@gmail.com

چکیده

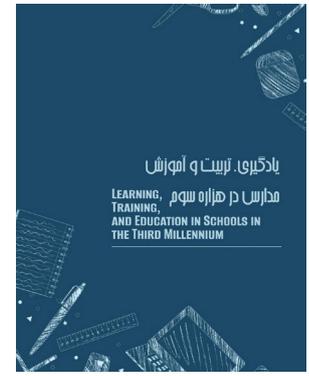
هدف این پژوهش تبیین نقش یادگیری مشارکتی در ارتقای مهارت‌های اجتماعی و بهبود پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس مرور کیفی شواهد پژوهشی موجود است. این مطالعه با رویکرد مروری کیفی و تحلیل محتوای کیفی انجام شد. داده‌ها از طریق مرور نظام‌مند متون علمی مرتبط با یادگیری مشارکتی، مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی گردآوری گردید. پس از جست‌وجو در پایگاه‌های معتبر داخلی و بین‌المللی، ۱۵ مقاله واجد شرایط به صورت هدفمند انتخاب و تا دستیابی به اشباع نظری تحلیل شدند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار NVivo ۱۴ کدگذاری و تحلیل گردید و مضامین اصلی و فرعی از طریق فرآیند کدگذاری باز، محوری و انتخابی استخراج شد. نتایج نشان داد که یادگیری مشارکتی به‌طور معناداری موجب تقویت مهارت‌های اجتماعی از جمله تعامل بین‌فردی، ارتباط مؤثر، مسئولیت‌پذیری، همدلی و تنظیم هیجانی می‌شود و هم‌زمان از طریق افزایش انگیزش درونی، خودکارآمدی تحصیلی، تفکر انتقادی، مهارت‌های حل مسئله و راهبردهای فراشناختی، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را ارتقا می‌دهد. همچنین نقش معلم، جو کلاس و فرهنگ مدرسه به‌عنوان عوامل تسهیل‌کننده و موانع اجرایی به‌طور برجسته شناسایی شد. یادگیری مشارکتی رویکردی تحول‌آفرین در نظام آموزشی است که با تأثیر هم‌زمان بر ابعاد اجتماعی، هیجانی و شناختی، می‌تواند به بهبود پایدار کیفیت آموزش و رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان منجر شود.

واژگان کلیدی: یادگیری مشارکتی، مهارت‌های اجتماعی، پیشرفت تحصیلی، آموزش، تعامل اجتماعی

Submit Date: 25 March 2025
Revise Date: 29 April 2025
Accept Date: 05 May 2025
Publish Date: 21 May 2025



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the [CC BY-NC 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) License.



Examining the Role of Cooperative Learning in the Development of Social Skills and Academic Achievement

How to cite: Hosseiniadjad, S. (2025). Examining the Role of Cooperative Learning in the Development of Social Skills and Academic Achievement. *Learning, Training, and Education in Schools in the Third Millennium*, 2(2), 1-9.

Authors' Information:

1. Sara Hosseiniadjad*: Department of Educational Management, University of Birjand, Birjand, Iran

Corresponding author's email: s.hosseiniadjad81@gmail.com

Abstract

This study aims to explain the role of cooperative learning in enhancing students' social skills and improving academic achievement through a qualitative review of existing research evidence. This study adopted a qualitative review design using qualitative content analysis. Data were collected through a systematic review of scientific literature related to cooperative learning, social skills, and academic achievement. After searching major international and national databases, 15 eligible articles were purposefully selected and analyzed until theoretical saturation was reached. Data coding and analysis were conducted using NVivo 14 software through open, axial, and selective coding procedures. The results indicated that cooperative learning significantly enhances social skills such as interpersonal interaction, effective communication, responsibility, empathy, and emotional regulation, while simultaneously improving academic achievement by strengthening intrinsic motivation, academic self-efficacy, critical thinking, problem-solving skills, and metacognitive strategies. Teacher role, classroom climate, and school culture emerged as major facilitating and constraining factors. Cooperative learning represents a transformative educational approach that simultaneously influences social, emotional, and cognitive domains, leading to sustainable improvement in educational quality and students' holistic development.

Keywords: *Cooperative learning, Social skills, Academic achievement, Education, Social interaction*

مقدمه

یادگیری مشارکتی در دهه‌های اخیر به‌عنوان یکی از مؤثرترین رویکردهای آموزشی برای ارتقای هم‌زمان رشد تحصیلی و اجتماعی فراگیران مورد توجه گسترده پژوهشگران و سیاست‌گذاران آموزشی قرار گرفته است. تغییر ماهیت جوامع از ساختارهای رقابتی فردمحور به الگوهای تعاملی و مبتنی بر همکاری، نظام‌های آموزشی را نیز ناگزیر ساخته است تا به‌جای تأکید صرف بر انتقال دانش، بر پرورش مهارت‌های اجتماعی، توانمندی‌های ارتباطی و یادگیری معنادار تمرکز کنند (Johnson & Johnson, ۲۰۱۹). در این چارچوب، یادگیری مشارکتی به‌عنوان رویکردی که یادگیری را در بستر تعامل اجتماعی و کار گروهی سازمان‌دهی می‌کند، زمینه‌ساز شکل‌گیری تجارب آموزشی عمیق، پایدار و سازگار با نیازهای قرن بیست‌ویکم شده است (Slavin, ۲۰۱۸). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کلاس‌هایی که در آن‌ها از راهبردهای مشارکتی استفاده می‌شود، نه‌تنها عملکرد تحصیلی بالاتری دارند بلکه از نظر اجتماعی نیز محیطی سالم‌تر، حمایتی‌تر و انگیزشی‌تر را برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورند (Gillies, ۲۰۱۶).

در نظریه‌های یادگیری معاصر، تعامل اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی رشد شناختی و اجتماعی معرفی شده است. ویگوتسکی تعامل با دیگران را بستر اساسی شکل‌گیری کارکردهای عالی ذهنی می‌داند و معتقد است که یادگیری مؤثر در «منطقه مجاور رشد» از طریق همکاری با همسالان و بزرگسالان رخ می‌دهد (Vygotsky, ۱۹۷۸). بر این اساس، یادگیری مشارکتی نه‌تنها به انتقال دانش کمک می‌کند، بلکه فرآیند رشد شناختی را تسریع می‌سازد. در همین راستا، پژوهش‌های مبتنی بر نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی نشان می‌دهد که معنا از طریق گفت‌وگو، تعامل و مشارکت فعال ساخته می‌شود و فراگیران در نقش کنشگران فعال یادگیری ظاهر می‌شوند (Fosnot, ۲۰۱۳). چنین نگرشی موجب تحول نقش معلم از انتقال‌دهنده دانش به تسهیل‌گر یادگیری شده و دانش‌آموزان را به یادگیرندگانی خودتنظیم و مسئولیت‌پذیر تبدیل می‌کند (Schunk, Meece, & Pintrich, ۲۰۱۴).

از سوی دیگر، نظام‌های آموزشی معاصر بیش از هر زمان دیگری نیازمند پرورش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان هستند. مهارت‌هایی نظیر همکاری، ارتباط مؤثر، حل تعارض، همدلی، مسئولیت‌پذیری و خودکنترلی از پیش‌شرط‌های اساسی موفقیت تحصیلی، شغلی و اجتماعی محسوب می‌شوند (Wentzel, ۲۰۱۷). مطالعات نشان می‌دهد که ضعف در مهارت‌های اجتماعی با افت تحصیلی، مشکلات رفتاری، کاهش انگیزش و ترک تحصیل مرتبط است (Caprara et al., ۲۰۱۴). در مقابل، یادگیری مشارکتی با فراهم‌سازی فرصت‌های مکرر تعامل اجتماعی، زمینه رشد این مهارت‌ها را به‌صورت طبیعی و تدریجی فراهم می‌آورد (Johnson, Johnson, & Smith, ۲۰۱۴). در چنین محیط‌هایی، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند چگونه به دیگران گوش دهند، دیدگاه‌های متفاوت را بپذیرند، مسئولیت مشترک بپذیرند و در چارچوب اهداف جمعی فعالیت کنند (Cohen & Lotan, ۲۰۱۴).

افزون بر رشد اجتماعی، شواهد گسترده‌ای دلالت بر اثرگذاری مثبت یادگیری مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی دارد. فراتحلیل‌های متعدد نشان داده‌اند که دانش‌آموزانی که در کلاس‌های مشارکتی آموزش می‌بینند، در مقایسه با دانش‌آموزان آموزش‌دیده در محیط‌های سنتی، عملکرد

تحصیلی بالاتری در دروس مختلف از جمله ریاضیات، علوم و زبان دارند (Slavin, ۲۰۱۴). این برتری تحصیلی ناشی از تعامل شناختی عمیق، پردازش فعال اطلاعات و فرصت‌های مکرر بازاندیشی و اصلاح درک مفهومی است (Kirschner, Sweller, & Clark, ۲۰۰۶). همچنین کار گروهی موجب فعال شدن راهبردهای فراشناختی مانند برنامه‌ریزی، نظارت بر یادگیری و خودارزیابی می‌شود که نقش تعیین‌کننده‌ای در یادگیری پایدار دارند (Zimmerman, ۲۰۰۲).

نقش عوامل انگیزشی و هیجانی در این میان بسیار قابل توجه است. یادگیری مشارکتی با ایجاد فضای حمایتی و غیرتهدیدآمیز، اضطراب تحصیلی را کاهش داده و احساس امنیت روانی، تعلق آموزشی و انگیزش درونی را تقویت می‌کند (Ryan & Deci, ۲۰۲۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مشارکت در گروه‌های یادگیری، عزت‌نفس تحصیلی و خودکارآمدی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد و آنان را برای مواجهه فعال با چالش‌های تحصیلی آماده می‌سازد (Bandura, ۱۹۹۷; Eccles & Roeser, ۲۰۱۱). این ویژگی‌ها به‌طور مستقیم با پیشرفت تحصیلی و پایداری تلاش آموزشی مرتبطند (Wang & Degol, ۲۰۱۶).

در بُعد مدرسه‌ای، یادگیری مشارکتی با تقویت روابط مثبت بین دانش‌آموزان و معلمان، بهبود جو روان‌شناختی کلاس و کاهش تعارضات رفتاری همراه است (Wentzel & Miele, ۲۰۱۶). کلاس‌هایی که در آن‌ها فرهنگ مشارکت حاکم است، از انسجام اجتماعی بالاتر، رفتارهای اجتماعی سازگارانه‌تر و میزان کمتری از مشکلات انضباطی برخوردارند (Gillies & Boyle, ۲۰۱۰). از این منظر، یادگیری مشارکتی نه تنها ابزاری آموزشی بلکه راهبردی کلان برای ارتقای کیفیت محیط مدرسه محسوب می‌شود.

با وجود شواهد گسترده درباره مزایای یادگیری مشارکتی، اجرای اثربخش آن مستلزم وجود زیرساخت‌های آموزشی، مهارت‌های حرفه‌ای معلمان و حمایت سازمانی است. مطالعات نشان می‌دهد که موفقیت این رویکرد به میزان قابل توجهی به مهارت معلم در طراحی فعالیت‌های گروهی، هدایت تعاملات و ارائه بازخورد حرفه‌ای وابسته است (Webb et al., ۲۰۰۸; Gillies, ۲۰۱۶). همچنین چالش‌هایی نظیر تراکم بالای کلاس‌ها، محدودیت منابع آموزشی، فشار برنامه‌های درسی و آمادگی ناکافی دانش‌آموزان می‌تواند اثربخشی این رویکرد را تضعیف کند (Slavin, ۲۰۱۸). از این رو، شناخت عمیق سازوکارها، پیامدها و شرایط اجرایی یادگیری مشارکتی برای سیاست‌گذاری آموزشی ضروری است. با توجه به اهمیت روزافزون مهارت‌های اجتماعی و نقش تعیین‌کننده آن‌ها در موفقیت تحصیلی و اجتماعی نسل آینده، بررسی جامع جایگاه یادگیری مشارکتی در نظام آموزشی ضرورتی انکارناپذیر به شمار می‌رود. هرچند پژوهش‌های متعددی به بررسی جداگانه اثرات این رویکرد بر مهارت‌های اجتماعی یا پیشرفت تحصیلی پرداخته‌اند، اما نیاز به یک تحلیل یکپارچه و کیفی از سازوکارهای مشترک و الگوهای مفهومی حاکم بر این روابط به‌طور جدی احساس می‌شود. از این رو، پژوهش حاضر با رویکرد مروری کیفی درصدد است نقش یادگیری مشارکتی را در توسعه مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تبیین کرده و چارچوبی مفهومی برای فهم عمیق‌تر این پدیده ارائه دهد.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع مروری کیفی نظام‌مند بوده و با رویکرد تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. هدف مطالعه، تبیین نقش یادگیری مشارکتی در توسعه مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی از طریق تحلیل عمیق شواهد نظری و تجربی موجود در ادبیات پژوهش است. با توجه به ماهیت تفسیری و اکتشافی موضوع، از طراحی پژوهش کیفی با تمرکز بر استخراج مضامین و الگوهای مفهومی استفاده شد.

طرح پژوهش از نوع مرور کیفی مبتنی بر اشباع نظری بود. جامعه پژوهش شامل کلیه مقالات علمی منتشرشده در حوزه یادگیری مشارکتی، مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی در پایگاه‌های معتبر علمی داخلی و بین‌المللی طی سال‌های اخیر بود. نمونه پژوهش به صورت هدفمند انتخاب شد و در نهایت ۱۵ مقاله علمی مرتبط و واجد شرایط بر اساس معیارهای ورود (ارتباط مستقیم با متغیرهای پژوهش، برخورداری از کیفیت روش‌شناختی مناسب، دسترسی به متن کامل و انتشار در نشریات معتبر) انتخاب و وارد فرآیند تحلیل گردید. انتخاب منابع تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت؛ به‌گونه‌ای که پس از بررسی مقاله پانزدهم، داده مفهومی جدیدی استخراج نگردید و تکرار مفاهیم به حد قابل قبولی رسید.

گردآوری داده‌ها صرفاً از طریق مرور نظام‌مند متون علمی انجام شد. جست‌وجوی منابع در پایگاه‌های داده‌ای نظیر Web of Scopus، Science، ERIC، Google Scholar و پایگاه‌های علمی فارسی صورت گرفت. کلیدواژه‌هایی نظیر «Cooperative Learning»، «Collaborative Learning»، «Social Skills»، «Academic Achievement»، «Student Interaction» و معادل‌های فارسی آن‌ها در فرایند جست‌وجو به کار گرفته شد. پس از غربالگری اولیه بر اساس عنوان و چکیده، مقالات واجد شرایط وارد مرحله بررسی کامل متن شدند و نهایتاً ۱۵ مقاله برای تحلیل نهایی انتخاب گردید.

تحلیل داده‌ها با رویکرد تحلیل محتوای کیفی و بر مبنای فرآیند کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. برای مدیریت داده‌ها و سازماندهی کدها و مضامین، از نرم‌افزار NVivo نسخه ۱۴ استفاده گردید. ابتدا واحدهای معنایی مرتبط با یادگیری مشارکتی، مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی شناسایی و کدگذاری شدند. سپس کدهای مشابه در قالب مقوله‌های مفهومی تجمیع و در نهایت مضامین اصلی پژوهش استخراج گردید. اعتبار تحلیل از طریق بازبینی مکرر داده‌ها، مقایسه مستمر کدها و تأیید انسجام مفهومی مضامین تضمین شد. فرآیند تحلیل تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت و الگوی مفهومی نهایی پژوهش بر اساس روابط میان مضامین اصلی و فرعی تدوین گردید.

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سازوکارهای اجتماعی یادگیری مشارکتی به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان عمل می‌کند و زمینه‌ساز شکل‌گیری تعاملات سازنده، هویت جمعی و تنظیم هیجانی در بافت آموزشی می‌شود. مرور مطالعات حاکی از آن است که مشارکت مستمر دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی موجب افزایش گفت‌وگوهای معنادار، بهبود مهارت‌های گوش‌دادن فعال، ارتقای کیفیت بازخورد همسالان و تقویت احساس تعلق به گروه می‌شود که همگی از ارکان اصلی توسعه مهارت‌های اجتماعی

محسوب می‌شوند (Johnson & Johnson, ۲۰۱۹; Gillies, ۲۰۱۶). همچنین شواهد نشان می‌دهد که یادگیری مشارکتی با ایجاد فضای امن روان‌شناختی، فرصت مدیریت تعارض، کنترل هیجانات منفی و پرورش همدلی هیجانی را برای فراگیران فراهم می‌سازد که این امر به بهبود روابط بین‌فردی و کاهش تعارضات کلاسی منجر می‌شود (Wentzel & Miele, ۲۰۱۶). در همین راستا، پژوهش‌ها بیان می‌کنند که تعامل مستمر در گروه‌های آموزشی، مهارت‌های ارتباط مؤثر نظیر بیان شفاف، احترام متقابل و درک دیدگاه دیگران را تقویت کرده و از این طریق ظرفیت‌های اجتماعی دانش‌آموزان را به صورت پایدار ارتقا می‌دهد (Slavin, ۲۰۱۸; Buchs, Gilles, & Butera, ۲۰۱۷). افزون بر این، همیاری و حمایت اجتماعی حاصل از یادگیری مشارکتی به‌عنوان یک منبع انگیزشی قدرتمند عمل کرده و با ایجاد حس مسئولیت مشترک، مشارکت داوطلبانه و حمایت تحصیلی همسالان، زمینه‌های انسجام اجتماعی و تعهد تحصیلی را تقویت می‌کند (Roseth, ۲۰۰۸; Johnson, & Johnson, ۲۰۰۸). این الگوهای اجتماعی به تدریج به درونی‌سازی هنجارهای مشارکتی منجر شده و ساختار روابط اجتماعی دانش‌آموزان را به شکلی سازگار و سازنده بازتعریف می‌کند (Gillies, ۲۰۱۴).

نتایج حاکی از آن است که پیامدهای روان‌شناختی و شخصیتی یادگیری مشارکتی نقشی اساسی در تحول نگرش‌ها، باورها و ویژگی‌های درونی فراگیران ایفا می‌کند و از این طریق مسیر موفقیت تحصیلی را هموار می‌سازد. مطالعات نشان می‌دهد که مشارکت در فعالیت‌های گروهی با تقویت عزت‌نفس تحصیلی، خودباوری و تصویر مثبت از خود، به افزایش اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان منجر می‌شود و آنان را برای مواجهه فعال با چالش‌های یادگیری آماده می‌سازد (Wentzel, ۲۰۱۷; Zimmerman, ۲۰۰۸). همچنین یادگیری مشارکتی با افزایش انگیزش درونی، احساس معناداری فعالیت‌های آموزشی و درگیری شناختی، اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان را تقویت کرده و آنان را به یادگیرندگانی فعال و خودانگیخته تبدیل می‌کند (Ryan & Deci, ۲۰۲۰; Schunk, Meece, & Pintrich, ۲۰۱۴). شواهد پژوهشی حاکی از آن است که فضای حمایتی و غیرتهدیدآمیز گروه‌های یادگیری، اضطراب عملکرد را کاهش داده و با ایجاد امنیت روانی، زمینه‌های تمرکز ذهنی و مشارکت مؤثر را فراهم می‌سازد (Dörnyei & Ryan, ۲۰۱۵). افزون بر این، تجربه موفق تعاملات اجتماعی در گروه‌ها موجب شکل‌گیری خودکارآمدی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، تصمیم‌گیری مستقل و بلوغ هیجانی در دانش‌آموزان می‌شود که این ویژگی‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در سازگاری تحصیلی و اجتماعی آنان دارند (Bandura, ۱۹۹۷; Eccles & Roeser, ۲۰۱۱). در نهایت، نگرش مثبت به مدرسه و احساس تعلق آموزشی به‌عنوان پیامدهای پایدار این فرآیند، انگیزش مداوم برای پیشرفت تحصیلی را تقویت می‌کند (Wang & Degol, ۲۰۱۶).

یافته‌ها نشان می‌دهد که تأثیرات آموزشی و شناختی یادگیری مشارکتی فراتر از بهبود نمرات بوده و به تحول عمیق فرآیندهای یادگیری منجر می‌شود. پژوهش‌های متعدد بیان می‌کنند که کار گروهی منظم موجب پردازش عمیق اطلاعات، سازماندهی مؤثر دانش و درک مفهومی پایدار می‌شود که این امر بنیان پیشرفت تحصیلی معنادار را شکل می‌دهد (Slavin, ۲۰۱۴; Kirschner, Sweller, & Clark, ۲۰۰۶). همچنین تعامل شناختی میان فراگیران، مهارت‌های حل مسئله، استدلال منطقی و تولید راه‌حل‌های خلاقانه را تقویت کرده و از این طریق توانمندی‌های فکری دانش‌آموزان را ارتقا می‌بخشد (Hmelo-Silver, ۲۰۰۴). تقویت تفکر انتقادی، پرسشگری فعال، ارزیابی شواهد و تفکر تأملی از دیگر پیامدهای مهم یادگیری مشارکتی است که موجب خودمختاری شناختی فراگیران می‌شود (Facione, ۲۰۱۵; Kuhn, ۲۰۱۹). افزون بر این،

یادگیری مشارکتی زمینه توسعه مهارت‌های فراشناختی نظیر برنامه‌ریزی شناختی، نظارت بر یادگیری و اصلاح راهبردها را فراهم می‌آورد که به خودتنظیمی تحصیلی و پایداری یادگیری منجر می‌شود (Zimmerman, ۲۰۰۲; Schraw & Dennison, ۱۹۹۴). مجموعه این فرآیندها موجب بهبود معنادار عملکرد تحصیلی، افزایش نمرات و تعمیق یادگیری می‌گردد (Johnson, Johnson, & Smith, ۲۰۱۴). در نهایت، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عوامل تسهیل‌کننده و موانع اجرایی یادگیری مشارکتی نقش تعیین‌کننده‌ای در اثربخشی این رویکرد دارند و بدون توجه به این عوامل، تحقق کامل مزایای آن امکان‌پذیر نیست. نقش معلم به‌عنوان تسهیل‌گر یادگیری، طراحی فعالیت‌های گروهی هدفمند، ارائه بازخورد حرفه‌ای و هدایت تعاملات، یکی از کلیدی‌ترین عوامل موفقیت این رویکرد محسوب می‌شود (Webb, Gillies, ۲۰۱۶). همچنین ساختاردهی مناسب کلاس، مدیریت زمان، سازماندهی منطقی گروه‌ها و ایجاد فرهنگ مشارکتی مدرسه، بستر لازم برای تعامل اثربخش دانش‌آموزان را فراهم می‌سازد (Slavin, ۲۰۱۸). با این حال، چالش‌هایی نظیر کم‌رویی برخی دانش‌آموزان، اضطراب اجتماعی، محدودیت منابع آموزشی، تراکم کلاس و فشار برنامه‌های درسی از موانع مهم اجرای مؤثر یادگیری مشارکتی به شمار می‌روند (Gillies & Boyle, ۲۰۱۰). از این رو، آموزش مهارت‌های مشارکتی، ارتباطی، حل تعارض و تصمیم‌گیری گروهی به دانش‌آموزان و معلمان، شرط اساسی نهادینه‌سازی این رویکرد در نظام آموزشی است و می‌تواند اثربخشی پایدار آن را تضمین کند (Cohen & Lotan, ۲۰۱۴; Johnson & Johnson, ۲۰۱۹).

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش مروری کیفی به‌طور روشن نشان داد که یادگیری مشارکتی نقش محوری و چندبعدی در توسعه مهارت‌های اجتماعی و ارتقای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کند و این نقش نه تنها محدود به پیامدهای شناختی بلکه در سطوح هیجانی، انگیزشی و رفتاری نیز به‌صورت عمیق و پایدار نمود پیدا می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن است که مشارکت فعال دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی موجب افزایش تعاملات بین‌فردی، تقویت حس تعلق اجتماعی، ارتقای مهارت‌های ارتباطی و شکل‌گیری هویت جمعی می‌شود؛ امری که با نتایج پژوهش‌های پیشین همسو است و نشان می‌دهد که محیط‌های یادگیری مشارکتی بستر طبیعی رشد اجتماعی و اخلاقی فراگیران را فراهم می‌آورند (Gillies, ۲۰۱۶; Johnson & Johnson, ۲۰۱۹). این نتایج با دیدگاه سازنده‌گرایی اجتماعی همخوانی دارد که یادگیری را فرآیندی اجتماعی و تعاملی می‌داند و بر نقش کلیدی گفت‌وگو، همکاری و مشارکت در ساخت معنا تأکید می‌کند (Vygotsky, ۱۹۷۸). همچنین یافته‌ها بیانگر آن است که فضای حمایتی و مشارکتی کلاس موجب کاهش اضطراب عملکرد و افزایش احساس امنیت روانی در دانش‌آموزان می‌شود که این امر پیش‌شرط مشارکت شناختی مؤثر و یادگیری پایدار است (Ryan & Deci, ۲۰۲۰; Wentzel & Miele, ۲۰۱۶). از منظر انگیزشی، یادگیری مشارکتی موجب تقویت انگیزش درونی، افزایش خودکارآمدی تحصیلی و بهبود نگرش دانش‌آموزان نسبت به مدرسه می‌شود؛ نتایجی که با مطالعات Bandura (۱۹۹۷) و Eccles و Roeser (۲۰۱۱) همخوان است و نشان می‌دهد که تجربه موفق تعاملات اجتماعی در کلاس درس به افزایش اعتمادبه‌نفس و پایداری تلاش تحصیلی منجر می‌شود. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن

است که یادگیری مشارکتی از طریق فعال‌سازی پردازش شناختی عمیق، تقویت مهارت‌های حل مسئله، توسعه تفکر انتقادی و ارتقای راهبردهای فراشناختی، زمینه بهبود معنادار پیشرفت تحصیلی را فراهم می‌آورد؛ نتیجه‌ای که با شواهد حاصل از فراتحلیل‌های Slavin (۲۰۱۴) و یافته‌های Kirschner و همکاران (۲۰۰۶) همسو است. این هم‌سویی نشان می‌دهد که تعامل شناختی میان فراگیران موجب سازماندهی بهتر دانش، درک مفهومی عمیق‌تر و انتقال پایدارتر یادگیری می‌شود. همچنین نقش معلم به‌عنوان تسهیل‌گر یادگیری در موفقیت این فرآیند به‌وضوح در یافته‌ها برجسته شده است؛ به‌گونه‌ای که کیفیت هدایت گروه‌ها، نوع بازخورد و ساختاردهی فعالیت‌ها از عوامل تعیین‌کننده اثربخشی یادگیری مشارکتی محسوب می‌شوند که با نتایج پژوهش‌های Webb و همکاران (۲۰۰۸) و Gillies (۲۰۱۶) همخوانی دارد. از سوی دیگر، یافته‌ها به وجود چالش‌هایی همچون محدودیت منابع، تراکم کلاس‌ها، کم‌رویی برخی دانش‌آموزان و ضعف در مهارت‌های ارتباطی اشاره می‌کند که این موانع نیز در مطالعات پیشین گزارش شده‌اند (Slavin, ۲۰۱۸؛ Gillies & Boyle, ۲۰۱۰). در مجموع، نتایج این پژوهش با ادبیات علمی موجود هم‌راستا بوده و به‌صورت یکپارچه نشان می‌دهد که یادگیری مشارکتی نه‌تنها ابزاری آموزشی بلکه راهبردی تحول‌آفرین در رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان و بهبود کیفیت نظام آموزشی است.

محدودیت‌های این پژوهش عمدتاً ناشی از ماهیت مروری و کیفی آن است. نخست آن‌که داده‌های پژوهش بر اساس ۱۵ مقاله منتخب استخراج شده و بنابراین نتایج ممکن است بازتاب‌دهنده تمامی دیدگاه‌ها و زمینه‌های فرهنگی و آموزشی نباشد. دوم آن‌که تنوع روش‌شناختی مطالعات واردشده به تحلیل و تفاوت در نمونه‌ها، مقاطع تحصیلی و زمینه‌های آموزشی می‌تواند بر تعمیم‌پذیری نتایج اثر بگذارد. همچنین اتکا به منابع منتشرشده و دسترس‌پذیر ممکن است برخی یافته‌های جدید یا پژوهش‌های منتشرنشده را از دایره تحلیل خارج کرده باشد.

در زمینه پیشنهادها، پژوهشی، توصیه می‌شود مطالعات آینده به بررسی تجربی و طولی اثرات یادگیری مشارکتی بر مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی در بافت‌های فرهنگی و آموزشی متنوع بپردازند و نقش متغیرهای میانجی مانند انگیزش، خودکارآمدی، جو کلاس و سبک رهبری معلم را به‌صورت مدل‌های ساختاری بررسی کنند. همچنین پژوهش‌های آمیخته می‌توانند با تلفیق داده‌های کیفی و کمی، درک جامع‌تری از سازوکارهای یادگیری مشارکتی فراهم آورند و به توسعه چارچوب‌های نظری بومی در این حوزه کمک کنند.

در حوزه پیشنهادها، کاربردی، نتایج این پژوهش بر ضرورت نهادینه‌سازی یادگیری مشارکتی در برنامه‌های درسی و آموزش معلمان تأکید دارد. طراحی دوره‌های توانمندسازی حرفه‌ای برای معلمان در زمینه مدیریت گروه، هدایت تعاملات و آموزش مهارت‌های مشارکتی به دانش‌آموزان می‌تواند اثربخشی این رویکرد را افزایش دهد. همچنین مدیران آموزشی باید با فراهم‌سازی زیرساخت‌های لازم، کاهش تراکم کلاس‌ها و حمایت سازمانی از رویکردهای مشارکتی، بستر اجرای پایدار این الگو را در مدارس تقویت کنند تا زمینه رشد اجتماعی، هیجانی و تحصیلی دانش‌آموزان به‌طور هم‌زمان فراهم شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

References

- Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. New York: Freeman.
- Caprara, G. V., Barbaranelli, C., Pastorelli, C., Bandura, A., & Zimbardo, P. G. (2014). Prosocial foundations of children's academic achievement. *Psychological Science*, 11(4), 302–306.
- Cohen, E. G., & Lotan, R. A. (2014). *Designing groupwork: Strategies for the heterogeneous classroom*. New York: Teachers College Press.
- Eccles, J. S., & Roeser, R. W. (2011). Schools as developmental contexts. *Journal of Research on Adolescence*, 21(1), 225–241.
- Fosnot, C. T. (2013). *Constructivism: Theory, perspectives, and practice*. New York: Teachers College Press.
- Gillies, R. M. (2016). Cooperative learning: Review of research and practice. *Australian Journal of Teacher Education*, 41(3), 39–54.
- Gillies, R. M., & Boyle, M. (2010). Teachers' reflections on cooperative learning. *Teaching and Teacher Education*, 26(4), 933–940.
- Johnson, D. W., & Johnson, R. T. (2019). *Joining together: Group theory and group skills*. Boston: Allyn & Bacon.
- Johnson, D. W., Johnson, R. T., & Smith, K. A. (2014). Cooperative learning: Improving university instruction. *Journal on Excellence in College Teaching*, 25(3), 85–118.
- Kirschner, P. A., Sweller, J., & Clark, R. E. (2006). Why minimal guidance during instruction does not work. *Educational Psychologist*, 41(2), 75–86.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2020). *Intrinsic motivation and self-determination in human behavior*. New York: Plenum.
- Schraw, G., & Dennison, R. S. (1994). Assessing metacognitive awareness. *Contemporary Educational Psychology*, 19(4), 460–475.
- Schunk, D. H., Meece, J. L., & Pintrich, P. R. (2014). *Motivation in education: Theory, research, and applications*. Boston: Pearson.
- Slavin, R. E. (2014). Cooperative learning and academic achievement. *Theory into Practice*, 21(2), 112–118.
- Slavin, R. E. (2018). *Educational psychology: Theory and practice*. Boston: Pearson.
- Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in society*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Wang, M. T., & Degol, J. L. (2016). School climate and academic achievement. *Review of Educational Research*, 86(2), 315–352.
- Wentzel, K. R. (2017). Peer relationships, motivation, and academic performance. *Educational Psychology Review*, 29(2), 205–231.
- Wentzel, K. R., & Miele, D. B. (2016). *Handbook of motivation at school*. New York: Routledge.